

پیام کمبود گاز

در روزهای گذشته یکی از کارشناسان صنعت گاز اعلام کرد که امسال و در فصل زمستان با کمبود شدید گاز مواجه خواهیم شد و حتی تعبیر ابرچالش را برای آن به کار برده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح طلب نوشت: وزیر نفت گفته است که: «امسال با توجه به اینکه ما در زمینه تولید گاز طبیعی رقم اضافهای نخواهیم داشت و مصرف گاز نسبت به پارسال با افزایش ۱۰ درصدی روبرو می‌شود، پیش‌بینی می‌کنیم در فصل سرد سال روزانه با ۲۰۰ میلیون مترمکعب کسری گاز روبرو شویم... پارسال در فصل سرما روزانه ۱۴۰ تا ۱۵۰ میلیون مترمکعب کمبود گاز وجود داشت که با محدودیت ارسال گاز طبیعی به صنایع و بخش نیروگاهی و جایگزین کردن سوخت مایع، جبران شد.» گاز با آب و نان فرق می‌کند. اگر نان کم شود، می‌توان گندم را وارد کرد. آب هم ممکن است بارش‌ها خوب شود و کمبود برطرف گردد و البته برعکس.

ولی گاز چنین نیست. اول اینکه گاز کالای جانشین مهمی ندارد. در نیروگاه‌ها می‌توان به جای گاز از مازوت یا گازوییل استفاده و آلودگی را تشدید کرد ولی در خانه‌ها و پتروشیمی‌ها نمی‌توان. به علاوه تهیه کالای جانشین نیز مشکلات خود را دارد. امکان واردات هم محدود است و البته خجالت‌آور هم هست. کشوری که پس از روسیه بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را دارد، برای مصرف خود و با این اقتصاد کوچک، چرا باید با کمبود گاز مواجه شود و اقدام به واردات کند؟ به علاوه تامین این کمبود نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت است ولی از همه مهم‌تر مدیریت چگونگی مصرف آن است.

چرا شاخص مصرف انرژی در ایران باید چند برابر کشورهای دیگر باشد؟! به ازای هر واحد تولید در ایران ۳ تا ۵ برابر دیگران انرژی مصرف می‌کنیم. به عبارت دیگر انرژی را اتلاف می‌کنیم. حالا ببینیم وضعیت گاز کشور چگونه است؟ در دهه ۹۰ حدود ۵۰ درصد به مصرف گاز کشور افزوده شده است. روند موجود نشان می‌دهد که در دهه آینده نیز تا ۵۰ درصد به میزان کنونی که حدود ۱۱۰۰ میلیون متر مکعب در روز است (روزهای سرد) اضافه شود. ولی این افزایش مصرف چگونه باید تامین شود؟ به ویژه آنکه تولید گاز از مهم‌ترین حوزه گازی کشور یعنی پارس جنوبی در حال کاهش است.

اکنون روزانه حدود ۸۰۰ میلیون متر مکعب گاز از این حوزه تولید می‌شود. تا پایان دهه حاضر یعنی تا سال ۱۴۰۹ این میزان تولید در حداکثر مقدار ۶۰۰ میلیون متر مکعب در روز و در کمترین مقدار ۲۵۰ میلیون متر مکعب خواهد بود. رقم ۶۰۰ به شرطی تحقق خواهد یافت که سرمایه‌گذاری زیادی برای نصب کمپرسور انجام شود. حتی در بهترین وضعیت تولیدی نیز در ۱۰ سال بعد، تقاضای گاز ۲۵ درصد بیش از عرضه آن خواهد بود!! راه حل چیست؟ دنیا چه کار می‌کند؟ گام و مرحله اول شفاف و متعادل کردن قیمت گاز است. با این قیمت‌ها مصرف همچنان رو به بالا است و تولید رو به پایین. سرمای زمستان گریبان سیاستگذار را خواهد گرفت در مرحله دوم افزایش بهره‌وری است.

اخیرا آقامحمدی از مدیران نزدیک به مراکز مهم تصمیم‌گیری، گزارشی ارایه کرده و در آن نشان داده که در ۵۰ سال اخیر سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی ایران در حد صفر بوده است. در حالی که این سهم در بسیاری از کشورهای دیگر بالای ۳۰ درصد است. هنگامی که سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی برای بلندمدت صفر شود، یعنی یک جای کار در مدیریت عمومی و ساختار کلی اقتصادی دچار مشکل جدی است و ربطی به این دولت و آن دولت ندارد. تا هنگامی که بهره‌وری انرژی در ایران طی یک برنامه مشخص حداقل دو برابر رقم فعلی نشود، باید منتظر اتلاف بیشتر منابع و کمبود انرژی باشیم.

در گام سوم افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز است که با وضعیت موجود در روابط خارجی، در عمل ممکن نیست که نیازهای سرمایه‌ای کشور تامین شود، نه فقط نیاز سرمایه‌ای، بلکه محرومیت از تکنولوژی مناسب نیز مزید بر مشکل خواهد بود. این سه گام چگونه قابل اجراست؟ برداشتن این سه گام موضوعی فنی نیست بلکه دقیقا یک موضوع راهبردی است.

نیازمند تغییر در فضای سیاسی داخلی است. باید اعتماد میان مردم و دولت بازسازی شود. باید نیروهای کارشناس و خبره وارد میدان شوند. باید مدیریت عقلانی رواج یافته و بر امور غلبه کند. همچنین نیازمند ثبات در سیاست‌های اقتصادی است. باید سرمایه‌ها به داخل جذب شود. باید امکان قیمت‌گذاری‌های دستوری حداقل شود. باید در روابط خارجی تجدید نظر اساسی شود و ده‌ها باید و نباید دیگر. پس پیش از اینکه دنبال تغییرات فنی و جزئی بروید، بهتر است به این نکات پرداخته شود. امسال را با مصرف مازوت کمبود گاز را جبران کردید سال‌های بعد را چه خواهید کرد؟ خود دانید!

توجه: مطلب مندرج صرفا دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: اعتماد